

دکتر مصطفی سلیمی فر

دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده اقتصاد

شماره مقاله: ۴۵۷

روند تغییرات نابرابریهای شهری - روستایی در ایران طی دوره

۱۳۴۵-۷۵

Dr. M. Salimifar

Ferdowsi University

The Trend of Rural-Urban Inequalities in Iran During the Period of 1345-75

The study of rural-urban divergencies reveals that these areas experienced two different periods. In the first period (1345-75) city and countryside tended to diverge so that the socio-economic conditions of the residents in these areas were completely distinguishable from each other. In the second period (1355-75), which coincided with the upheaval of the Islamic Revolution, rural-urban disparities clearly exhibited a decreasing trend in terms of the majority of the selected indicators.

At least two significant policies affected to the rural residents, their marked improvement in the socio-economic conditions. The first was the emphasis of the state on the important role of agriculture for the economic development. The second was the consequence of a social justice policy by the state throughout the period. However, there is a notable gap between these two areas from the point of view of socio-economic enjoyments yet.

مقدمه

در کشورهای در حال توسعه روستاها به عنوان مراکز عمده فعالیت‌های کشاورزی همیشه نقشی محوری در اقتصاد این کشورها ایفا کرده‌اند. حتی در زمان حاضر نیز کشاورزی مهمترین نقش را در اغلب این کشورها از ابعاد اشتغال و تولید به عهده دارد. به عنوان مثال کشاورزی ۲۳ درصد اشتغال کل کشور ایران را در سال ۱۳۷۵ تشکیل می‌داد در حالی که سهم صنعت کارخانه‌ای از اشتغال کل فقط ۱۷/۵ درصد بود. علاوه بر این کشاورزی ۲۵/۵ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) کشور را در سال ۱۳۷۵ تولید کرد. سهم بخش‌های صنعت کارخانه‌ای و نفت به ترتیب ۲۳/۷ و ۱۷/۲ درصد از GDP در سال ۱۳۷۵^۱ بود.

از طرف دیگر در سال مذکور حدود ۸۴/۵ درصد از جمعیت شاغل در فعالیت‌های کشاورزی در روستاها ساکن بودند. علاوه بر این در سال ۱۳۷۵، ۳۱/۶ درصد از نیروی کار شاغل در صنعت و ۱۳/۲ درصد از شاغلین بخش خدمات ساکن روستاها بودند^۲. بطور کلی در سال ۱۳۷۵، ۵۷۱۱ هزار نفر (۳۹/۲٪) از ۱۴۵۷۲ هزار نفر نیروی شاغل در بخش‌های اقتصادی کشور ساکن روستاها بودند. از دیگر سو حتی صنعت نیز برای تأمین بخشی از نیازهای ارزی خود به درآمدهای ارزی حاصل از بخش کشاورزی تکیه دارد. به عنوان مثال کالاهای کشاورزی و فرش (که غالباً در مناطق روستایی تولید می‌شوند) حدود ۴۳/۵٪ صادرات غیرنفتی کشور را در سال ۱۳۷۶ تشکیل می‌دادند.

مروری بر توزیع تاریخی جمعیت در شهرها و روستاها نشان از آن دارد که روستاها هنوز بخش عمده‌ای از جمعیت کشور را در خود جای داده‌اند. به عنوان مثال ۷۲٪ از جمعیت کشور در سال ۱۳۰۰ ساکن روستاها بودند و گرچه در دهه‌های اخیر توزیع جمعیت به نفع شهرها تغییر کرده است ولی با این وجود تا اواخر دهه ۱۳۵۰ بیش از نصف جمعیت کشور ساکن مناطق روستایی بودند. آخرین داده‌ها حاکی از آن است که هنوز حدود ۳۸/۳٪^۳ از جمعیت کشور در روستاها زندگی می‌کنند و لذا هرگونه بهبودی در شرایط زندگی در روستاها حدود ۴۰٪ از جمعیت کشور را منتفع خواهد کرد.

از نظر تاریخی صنعتی شدن در کشورهای غربی همراه بود با جذب نیروی کار مازاد

۱-مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، توسط نگارنده محاسبه شده است، ۱۳۷۸، صص ۹۴ و ۸۱۴-۸۱۳.

۲-همان منبع.

۳-مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور سال ۱۳۷۶، توسط نگارنده محاسبه شده است، ۱۳۷۸، صص ۵۶.

بخش کشاورزی در فعالیتهای صنعتی و بنابراین یک روند ملایم مهاجرت از روستا به شهر در آن کشورها اتفاق افتاد در حالیکه در کشورهای در حال توسعه مهاجرت از روستا به شهر در پاسخ به افزایش تقاضای نیروی کار در شهرها و یا حتی شهرهای صنعتی نبود، بلکه تحت تأثیر کاهش بهره وری ناشی از قانون بازده نزولی، در آمد پایین روستائیان (کشاورزان) و شکاف عمیق درآمدی و بهره‌مندی از تسهیلات زندگی بین شهر و روستا بود. مهاجرت‌های وسیع و پیدایش شهرهای با تراکم بسیار بالای جمعیتی و متعاقب آن بروز ناهنجاریهای اجتماعی و تنش‌های سیاسی از جمله نتایج نابرابریهای مذکور است.

بنابراین تلاش جهت کاهش نابرابریهای شهری - روستایی نه تنها از جهت اقتصادی بلکه از حیث گسترش عدالت اجتماعی و پرهیز از بحرانهای سیاسی - اجتماعی نیز حائز اهمیت می‌باشد. با توجه به آنچه گفته شد هدف این مقاله مطالعه ناهمگونیهای شهری - روستایی در ایران در هر دو دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی (۷۵-۱۳۴۵) می‌باشد. برای این منظور شاخصهای جمعیتی، درآمدی، هزینه خانوار، آموزش، دسترسی به امکانات بهداشتی درمانی و برخورداری از امکانات زندگی انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفته است.

۱- مروری تاریخی بر ناهمگونیهای شهری - روستایی در ایران

در ایران قدیم نابرابری قابل توجهی بین شهر و روستا وجود نداشت، به دلیل اینکه تقریباً تمام کالاهای مصرفی خانوار شهری نیز در روستاها تولید می‌شد و شهرها از این نظر کاملاً به روستاها وابسته بودند. از طرف دیگر ۸۵٪^۴ از جمعیت کشور که ساکن روستاها بودند و یا در ایلات مختلف زندگی می‌کردند قادر بودند مایحتاج خود را تولید کنند. همانطور که احمد شربت اوغلی (۱۹۹۱) می‌گوید: «شهرها قدرت اقتصادی و اداری زیادی برای جذب بخش عمده‌ای از جمعیت روستا را نداشتند و لذا مهاجرت روستا به شهر در این دوره ناچیز بود»^۵. می‌توان گفت تا بعد از پیروزی انقلاب مشروطه تغییر عمده‌ای در سطح زندگی شهر و روستا اتفاق نیفتاد. انقلاب مذکور به دلیل تأثیراتی که بر فضای اجتماعی - فرهنگی کشور بجا گذاشت سرآغاز تحول در نقش شهر و روستا در زندگی اقتصادی و سیاسی کشور شد. با این وجود

۴- همان منبع.

۵- احمد شربت اوغلی، شهرنشینی و پراکنندگیهای منطقه‌ای در ایران بعد از انقلاب، انتشارات وست و یو آمریکا، ۱۹۹۱، ص ۸۹

می‌توان گفت که برخورد جدی شهر و روستا مقارن بود با ایجاد صنایع مدرن از سالهای ۱۳۱۰ به بعد و همانطور که بعداً خواهیم دید شکاف شهر و روستا در یک دوره پنجاه ساله قبل از انقلاب مدام در حال افزایش بود. این روند بخصوص بعد از افزایش درآمدهای نفتی کشور شدت گرفت، زیرا افزایش این درآمدها از یک طرف موجب بی‌نیازی شهرها از روستاها شد (از طریق واردات مواد غذایی از کشورهای خارج) و از سوی دیگر کمک به گسترش صنایع مختلف و تأسیسات زیر بنایی که عمده در شهرها مستقر بودند کرد. به عبارت دیگر افزایش درآمدهای نفتی کشور نه تنها موجب افزایش درآمد ساکنین شهرها به طور مستقیم و غیر مستقیم شد، بلکه باعث وخیم شدن وضع روستاها به خاطر ورود مواد غذایی ارزان قیمت از خارج نیز شد. از عوامل دیگری که موجب عقب‌نگه داشتن روستاها از روند حرکت اقتصادی کشور شد اتخاذ سیاست کسب نرخ‌های رشد بالای اقتصادی بود. به عبارت دیگر رشد سالاری که تفکر حاکم بر غالب کشورهای در حال توسعه و نیز مورد توصیه نهادهای بین‌المللی در آن مقطع بود به بخش‌گرایی^۶ منجر شد و چون تصور می‌شد که صنعت توانایی بیشتری برای نیل به این هدف دارد کشاورزی (و در نتیجه روستاها) عمده به نفع صنعت (شهرها) مورد غفلت قرار گرفت. ذکر یک مثال به روشن شدن ابعاد این قضیه کمک خواهد کرد. طبق آمار موجود در سال ۱۳۵۲، کشور ۳۹۷ میلیون دلار کالاهای کشاورزی صادر کرد که ۶۲/۵ درصد کل صادرات غیرنفتی در آن سال بود در حالیکه سهم این بخش از واردات کشور ۱۲۱ میلیون دلار یعنی فقط ۳/۲ درصد واردات کشور را تشکیل می‌داد. صادرات کالاهای صنعتی در همان سال ۱۰۵ میلیون دلار (۱۶/۷ درصد صادرات غیرنفتی) در مقابل ۲۴۷۲ میلیون دلار (۶۶/۱ درصد) واردات برآورد شد.^۷ به عبارت دیگر بخش کشاورزی نه تنها از ارز حاصل از نفت منتفع نشد بلکه ۷۰ درصد ارز حاصل از صادرات کالاهای کشاورزی نیز به سایر بخشها اختصاص داده شد. این وضع موجب عمیق‌تر شدن فاصله شهر و روستا در آن دوران شد.

6-sectoralism

۷-بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بررسی تحولات اقتصادی کشور بعد از انقلاب، بی‌تا، جداول ۱۳۰ و ۱۳۵.

۲- پراکندگیهای جمعیتی

پراکندگیهای جمعیتی از جمله عواملی هستند که می توانند نقش مهمی در ایجاد و گسترش نابرابریهای شهری - روستایی داشته باشند. توزیع جمعیت در نقاط شهری و روستایی، نرخ رشد، ترکیب سنی - جنسی جمعیت، سطح مهارت و تحصیلات از جمله مؤلفه های قابل توجه در این بخش می باشند. بدیهی است آنچه بیش از سهم هر کدام از مناطق شهری و روستایی از جمعیت کل کشور حائز اهمیت است کیفیت نیروی انسانی ساکن در هر کدام از این مناطق می باشد. درست به همین دلیل است که به رغم سهم بیشتر مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری از جمعیت در اغلب کشورهای در حال توسعه به دلیل برخورداری آن از سطح پایین تحصیلات و مهارت های فنی توانسته اند نقش محوری خود را در توسعه روستایی ایفا کنند. جدول شماره ۱ شاخص های عمده جمعیتی و انسانی را در مناطق شهری و روستایی ایران در دوره ۷۰ - ۱۳۵۲ نشان می دهد.

همان طور که در جدول نشان داده شده است نابرابریهای شهری - روستایی از نقطه نظر شاخصهای جمعیتی از قبیل نرخ مرگ و میر کودکان و امید به زندگی مردان و زنان در دوره ۷۰ - ۱۳۵۵ کاهش قابل ملاحظه ای داشته است. از طرف دیگر نسبت جمعیت ساکن در روستاها به جمعیت ساکن در شهرها که در سال ۱۳۰۰ حدود ۲/۶ بود به حدود ۱/۱ در سال ۱۳۵۵ کاهش یافت.^۸ افزایش درآمدهای نفتی کشور و به دنبال آن تعقیب سیاست صنعتی کردن کشور که منجر به تمرکز صنایع جدید در شهرها شد از یک طرف و غفلت از انجام سرمایه گذاری های لازم و نیز عدم اتخاذ سیاستهای مناسب که موجب تضعیف بخش کشاورزی در مجموعه اقتصاد کشور شد افزایش مهاجرت از روستاها به شهرها را به همراه داشت در نتیجه به تدریج ترکیب جمعیتی کشور به نفع شهرها تغییر کرد بطوریکه نسبت جمعیت شهری به روستایی به ۱/۲ و ۱/۶ در سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ افزایش یافت.

جدول شماره ۱: برآورد شاخصهای مهم جمعیتی

۱۳۷۰			۱۳۶۵			۱۳۵۲-۵۵			واحد	شرح ^۹
روستایی	شهری	کل	روستایی	شهری	کل	روستایی	شهری	کل		
۳۴/۱	۲۷/۹	۳۰/۶	۴۱/۹	۳۷/۱	۳۹/۲	۴۸/۸	۳۲/۵	۴۱/۸	۱۰۰۰ نفر	میزان مولید ^۱
۱۶۶/۹	۱۲۱/۷	۱۴۰	۲۱۰/۳	۱۶۴/۹	۱۸۴	۲۳۲/۶	۱۳۹	۱۸۹/۹	در هزار نفر	باروری عمومی ^۲
۵/۸	۴/۳	۴/۹	۷/۴	۵/۸	۶/۴	۷/۸	۴/۴	۶/۳	نوزاد به ازای زن	باروری کل ^۳
۹/۹	۶/۷	۸/۳	۱۳	۸/۳	۱۰/۴	۱۳/۹	۸/۳	۱۱/۵	۱۰۰۰ نفر	مرگ و میر (ناخالص) ^۴
۷۵/۵	۴۵/۳	۶۰/۳	۱۰۳/۹	۶۰/۴	۷۹/۹	۱۳۰	۷۶/۲	۱۱۲	۱۰۰۰ نفر	مرگ و میر کودکان ^۵
۲۴/۲	۲۱/۲	۲۲/۳	۲۸/۹	۲۸/۸	۲۸/۸	۳۴/۹	۲۴/۲	۳۰/۳	۱۰۰۰ نفر	نرخ رشد طبیعی ناخالص ^۶
n.a	n.a	n.a	n.a	n.a	n.a	-۱۵/۹	۳۴/۵	n.a	۱۰۰۰ نفر	مهاجرت خالص ^۷
۵۹/۴	۶۵/۵	۶۲/۴	۵۴/۱	۶۲/۱	۵۸/۵	۵۰/۷	۶۰/۷	۵۵/۱	سال	امید به زندگی (مردان) ^۸
۶۰	۶۶/۶	۶۳/۲	۵۴/۸	۶۳/۵	۵۹/۲	۵۱/۴	۶۲	۵۶/۳	سال	امید به زندگی (زنان) ^۹

ماخذ: دانشکده بهداشت انستیتو تحقیقات بهداشتی ۱۳۶۵ و مرکز آمار ایران ۱۳۷۳

n.a مخفف Not Available به معنی موجود نمی باشد است.

۱) نسبت کل متولدین به جمعیت وسط همان سال (۲) نسبت کل متولدین به جمعیت زنان بین ۴۹-۱۵ سال همان سال. (۳) متوسط تعداد نوزادان زنده به جمعیت زنان در سنین باروری. (۴) نسبت کل مرگ و میر به جمعیت وسط همان سال. (۵) نسبت کل مرگ و میر کودکان بین ۱-۰ سال به کل متولدین همان سال. (۶) تفاوت متولدین و متوفیان همان سال. (۷) تفاوت بین کسانی که به محل وارد و از آن محل خارج می شوند (در یکسال معین). (۸ و ۹) تعداد سالهایی که انتظار می رود یک کودک تازه متولد شده زندگی کند.

۳- نابرابریهای درآمدی-هزینه ای و دسترسی به فرصتهای اشتغال بین مناطق شهری و روستایی: شاید اغراق نباشد اگر گفته شود نابرابریهای درآمدی بین این دو بخش از کشور مهمترین نقش را در تعمیق شکاف شهر و روستا بازی می کنند زیرا این گونه نابرابریها می توانند موجب پیدایش و یا افزایش نابرابریهای دیگر از قبیل سطح تحصیلات، سطح مهارت، فرصتهای اشتغال و غیره گردد. بنابراین ما سعی خواهیم کرد روند تغییرات احتمالی عدم تعادلای درآمدی را با

توجه به آمار و اطلاعات در دسترس مورد مطالعه قرار دهیم. به منظور بررسی تفاوت‌های شهری - روستایی از جهت توزیع درآمدی در سطح ملی، درآمد سرانه شهرها و روستایی‌ها با استفاده از مساعده‌تی که هر کدام از این بخشها به تولید ناخالص ملی (GNP) کشور کرده‌اند برآورد خواهد شد. یعنی فرض می‌کنیم سهم بخش کشاورزی در (GNP) تقریباً مساوی است با درآمد بخش روستایی و سهم بخش صنعت و خدمات را با اغماض معادل سهم ساکنین شهرها از تولید ملی گرفته‌ایم. هر چند این فرض ممکن است غیر واقعی به نظر آید زیرا بخشی از فعالیتهای کشاورزی در شهرها انجام می‌شود و به همین ترتیب بخشی از تولیدات صنعتی و خدماتی در روستاها تحقق پیدا می‌کند. اما با توجه به اینکه این بخش بیش از ۲ تا ۳ درصد از (GNP) را تشکیل نمی‌دهد می‌توان این دو را با یکدیگر معادل فرض نمود^۱ (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲: توزیع جمعیت، GNP و درآمد سرانه در بخشها و مناطق شهری و روستایی

سال	سهم مناطق روستایی از GNP (%)	سهم مناطق روستایی از جمعیت کشور (%)	سهم مناطق شهری از GNP (%)	سهم مناطق شهری از جمعیت (%)	سهم مناطق درآمد سرانه در GNP (%)	درآمد سرانه در مناطق شهری (هزار ریال)	درآمد سرانه در مناطق روستایی (هزار ریال)	نسبت درآمد سرانه شهری به روستایی
۱۳۴۲	۲۸/۲	۶۴	۵۷/۳	۳۶	۱۳/۵	۲۱/۷*	۶/۲*	۳/۵
۱۳۴۵	۲۵/۹	۶۲	۵۸/۳	۳۸	۱۵/۷	۴۶/۴*	۱۱/۸*	۳/۹
۱۳۵۱	۱۰/۶	۵۷/۳	۴۲/۷	۵۱/۲	۱۵*	۴/۹	۷۳/۵*	
۱۳۵۵	۸/۷	۵۳/۱	۵۶/۴	۴۶/۴	۳۶/۸	۱۴۱/۴*	۱۸/۲*	۷/۸
۱۳۶۰	۱۴/۸	۵۰/۹	۷۴/۷	۴۹/۱	۱۰	۱۰۴/۰*	۱۵/۹*	۵/۲
۱۳۶۵	۱۶/۳	۴۵/۷	۶۸/۲	۵۴/۳	۱۱/۹	۸۵/۶*	۲۴/۳*	۳/۵
۱۳۷۰	۲۴	۴۳	۵۲/۳	۵۷	۱۹/۴	۲۳۰/۹**	۱۳۱/۹**	۱/۷۵
۱۳۷۵	۲۵/۵	۳۸/۳	۵۷/۴	۶۱/۷	۱۷/۱	۲۳۳/۳**	۱۶۶**	۱/۴

* - قیمت های ثابت سال ۱۳۵۳

** - قیمت های ثابت سال ۱۳۶۱

ماخذ: نشریات بانک مرکزی و مرکز آمار ایران سالهای مختلف، محاسبه شده به وسیله نویسنده

10- M. A. Katouzian: Oil Versus Agriculture, A case of Dual Resource Depletion, in Iran, *the Journal of Peasant Studies*, April 1978, pp. 347 - 369.

همان طور که از ستون آخر جدول شماره ۲ بر می آید نابرابری عمیق فزاینده ای بین مناطق شهری و روستایی از نظر شاخص درآمد سرانه در دوره ۵۵ - ۱۳۴۲ وجود داشته است بطوری که در سال ۱۳۴۲، ۶۴ درصد از جمعیت ساکن روستاها فقط ۲/۲۸ درصد از درآمدها را دریافت می کرده اند و نسبت درآمد یک فرد شهری به درآمد یک روستایی در آن سال ۳/۵ بوده است. این نسبت در سال ۱۳۵۵ به اوج خود یعنی ۷/۸ رسیده بود بعد از این تاریخ روند فوق تغییراتی را در جهت کاهش نابرابری شروع کرد بطوری که نسبت مذکور به ۵/۲ در سال ۱۳۶۰ و ۳/۵ در سال ۱۳۶۵ کاهش پیدا کرد. ادامه روند کاهنده مذکور موجب شد که نسبت درآمد سرانه یک فرد شهری به یک فرد ساکن روستا به ۱/۴ در سال ۱۳۷۵ اُفت کند^{۱۱}.

کاهش نابرابری درآمدی بین شهرها و روستاها در دوره بعد از انقلاب اسلامی تحت تأثیر دو عامل مهم قرار داشته اند:

- ۱- سهم روستاها از جمعیت کل کشور بطور پیوسته در حال کاهش بوده است به این معنا که روستاها که در سال ۱۳۴۲ حدود ۶۴ درصد از جمعیت کشور را در خود جای داده بودند در سال ۱۳۵۵، ۵۳/۱ درصد و در سال ۱۳۷۵ فقط ۳۸/۳ درصد از مردم ساکن کشور را در بر داشتند.
- ۲- سهم کشاورزی در (GNP) از ۸/۷ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۱۴/۸ درصد و ۲۵/۵ درصد به ترتیب در سالهای ۱۳۶۰ و ۱۳۷۵ افزایش یافت. از سوی دیگر جهت حرکت عوامل مذکور در مورد شهرها عکس جریان فوق بود به این معنا که از یک طرف نسبت جمعیت شهری افزایش یافت و از سوی دیگر درآمد آنها تحت تأثیر عوامل متعدد از قبیل جنگ، مشکلات ساختاری بخش صنعت، نوسانات درآمدهای نفتی، تورم و به شدت کاهش یافت. به طوری که درآمد سرانه در مناطق شهری از ۲۴۱/۴ هزار ریال در سال ۱۳۵۵ به ۸۵/۶ هزار ریال در

۱۱- البته ما از تأثیر درآمدهای مستقیم نفتی بر توزیع درآمد شهری - روستایی صرف نظر کرده ایم. بدیهی است (با توجه به اینکه بخش عمده درآمدهای نفتی کشور به فعالیتهایی اختصاص یافته است که عمده در شهرها متمرکز بوده اند و لذا مردم شهرها به مراتب بیش از روستاییان از این درآمدها منتفع می شده اند) اگر درآمدهای مذکور نیز لحاظ می شد نابرابریهای شهری - روستایی تصویر نامطلوب تری را ارائه می کردند. مطالعه تأثیر نفت و درآمدهای حاصله بر چگونگی توزیع درآمد در کشور می تواند عنوان مقاله مستقلی باشد. به عنوان مثال با افزودن درآمدهای نفتی به درآمد مردم شهرها نسبت درآمدی به ۱۱/۶ در سال ۱۳۵۲ افزایش می یابد. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به منبع قبلی.

سال ۱۳۶۵ (به قیمت‌های ثابت) کاهش یافت. این در حالی است که درآمد سرانه روستایی از ۱۸/۲ هزار ریال به ۲۴/۳ هزار ریال طی دوره مذکور افزایش یافت. در نتیجه تفاوت درآمد سرانه در مناطق شهری و روستایی کاهش چشمگیری یافت. این تغییرات در مناطق شهری و روستایی در سال ۱۳۷۳ کاهش یافت^{۱۲}. نمودار شماره ۱ ناهمگونی درآمد سرانه شهری - روستایی را بر اساس اطلاعات جدول شماره ۲ به تصویر می‌کشد.

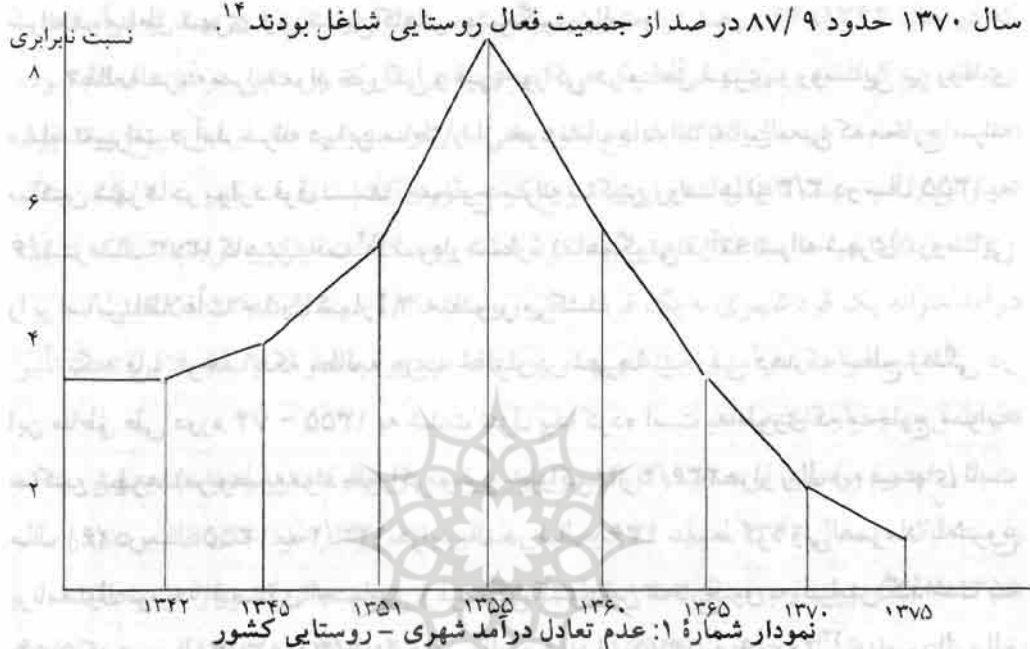
نکته قابل توجه اینکه مطالعه هزینه خانوار در شهرها نشان می‌دهد که سطح زندگی در این مناطق طی دوره ۷۴ - ۱۳۵۵ به شدت تنزل پیدا کرده است به طوری که مخارج سرانه ساکنین شهرها (مربوط به مواد خوراکی و غیر خوراکی) از ۳۳۶/۴ هزار ریال (به قیمت‌های ثابت سال ۶۱) در سال ۱۳۵۵ به ۱۴۳/۴ هزار ریال در سال ۱۳۶۸ سقوط کرد ولی همزمان با شروع برنامه اول توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی کشور این مخارج رو به افزایش گذاشت به طوری که در سال ۱۳۷۳ به ۱۷۶/۴ هزار ریال و در سال ۱۳۷۵ به ۲۰۰/۹ هزار ریال بالغ گشت. با وجود افزایش ۲۳ درصدی مخارج مذکور در طی دوره ۷۳ - ۱۳۶۸ هنوز سطح زندگی در مناطق شهری به طور قابل تأملی از سطح آن در سال ۱۳۵۵ پایین‌تر بود، در حالی که در روستاها این مخارج از حدود ۱۰۱ هزار ریال به ۱۱۳/۱ هزار ریال (به قیمت‌های ثابت سال ۶۱) در طی دوره بالا افزایش یافت.

نگاهی گذار به آمار موجود در مورد اشتغال نیز حاکی از آن است که نابرابری شهری - روستایی از این جهت نیز کاهش یافته است. نرخ اشتغال در مناطق شهری که در سال ۱۳۵۵، ۹۴/۹ درصد برآورد شده بود تقریباً در تمام دوره ۶۵ - ۱۳۵۵ روند کاهشی داشت به طوری که در این سال فقط ۸۵/۶ درصد از جمعیت فعال شهری شاغل بودند. پس از انجام برنامه اول این

۱۲- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری سالهای ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴، توسط نگارنده محاسبه شده است.

۱۳- به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۹. سالنامه آماری سالهای ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴، توسط نگارنده محاسبه شده است.

نسبت با مقداری بهبود به ۸۹/۶ درصد رسید. نرخ اشتغال در روستاها نیز از ۸۵/۸ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۸۲/۵ درصد در سال ۱۳۶۰ کاهش یافت ولی پس از آن رو به بهبود گذاشت. در سال ۱۳۷۰ حدود ۸۷/۹ درصد از جمعیت فعال روستایی شاغل بودند.^{۱۴}



۴- نابرابریهای آموزشی

مطالعه اجمالی اطلاعات موجود در رابطه با نرخ سواد در مناطق روستایی بیانگر پیشرفت قابل ملاحظه ای از این جهت در این بخش از کشور در دوره بعد از انقلاب اسلامی می باشد. به عنوان مثال درصد جمعیت باسواد در مناطق روستایی از ۳۰/۵ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۶۳/۷ درصد در سال ۱۳۷۰ افزایش یافت (۳۳/۲ درصد افزایش). گرچه مناطق شهری نیز از افزایش نرخ سواد در دوره مذکور سود بردند ولی این افزایش کمتر از آنچه که در مناطق روستایی اتفاق افتاده بود. بر اساس آمار موجود نرخ باسوادی در شهرها از ۶۵/۴ درصد به ۸۱/۹ درصد (۱۶/۵ درصد افزایش) در دوره مذکور افزایش یافت. به عبارت دیگر رشد سواد آموزی در مناطق روستایی دو برابر رشد آن در مناطق شهری کشور در دوره مورد مطالعه بوده است (البته

۱۴- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری ۱۳۷۲، توسط نگارنده محاسبه شده است.

در صد جمعیت بر خوردار از سواد در سال ۷۵ نسبت به سال ۷۰ کاهش قابل ملاحظه ای را در این مناطق نشان می دهد. با این وجود هنوز تفاوت قابل ملاحظه ای بین شهر و روستا از این جهت در سال ۱۳۷۵ وجود داشته است. جدول شماره ۳ وضعیت جمعیت باسواد را در کشور، مناطق روستایی و شهری نشان می دهد.

جدول شماره ۳: جمعیت باسواد مناطق شهری و روستایی

سال	کل کشور (هزار نفر)	درصد	مناطق شهری (هزار نفر)	درصد	مناطق روستایی (هزار نفر)	درصد	SI ^{۱۵}
۱۳۳۵	۱۹۱۱	۱۴/۶	۱۳۹۶	۳۲/۳	۵۱۴	۶	۰/۷۳
۱۳۴۵	۵۵۳۲	۲۹/۴	۳۸۳۲	۵۰/۴	۱۷۰۰	۱۵/۱	۰/۷۶
۱۳۵۵	۱۲۸۷۷	۴۷/۵	۸۶۸۲	۶۵/۴	۴۲۴۹	۳۰/۵	۰/۶۳
۱۳۶۵	۲۳۹۱۳	۶۱/۸	۱۵۵۰۷	۷۳/۱	۸۳۷۱	۴۸/۴	۰/۴۶
۱۳۷۰	۳۳۹۶۶	۷۴/۱	۲۱۷۲۵	۸۱/۹	۱۲۱۲۸	۶۳/۷	۰/۴۱
۱۳۷۵	۴۱۵۸۲	۶۹/۲	۲۷۸۵۷	۷۵/۷	۱۳۶۶۱	۵۹/۳	۰/۷۶

مأخذ: سالنامه آماری ۱۳۷۲ و ۱۳۷۵، محاسبه شده توسط نویسنده.

علاوه بر آن نسبت تعداد دانش آموزان به کسانی که واجد شرایط برای ثبت نام در مدارس بودند (پوشش افراد مستحق برخوردار از امکانات آموزشی) در مناطق روستایی از ۵۰/۳ درصد در سال ۱۳۵۸ به ۸۵/۲ درصد در سال ۱۳۷۳ افزایش یافت (۳۴/۹ درصد افزایش) در حالی که نسبت مذکور در مناطق شهری با افزایشی معادل ۱۴/۶ درصد به ۹۴/۵ درصد در پایان دوره مذکور رسید. بنابراین از جهت برخوردار از امکانات آموزشی مناطق روستایی حدود ۲/۵ برابر مناطق شهری پیشرفت نمودند که این امر موجب کمک قابل توجهی به کاهش اختلاف

۱۵- Sopher's Index (SI) توسط فرمول زیر محاسبه می شود:

$$SI = \log [x_2 / x_1] + \log [(100 - x_1) / (100 - x_2)] \quad \text{که } x_1 \leq x_2$$

این فرمول از یادداشتهای درسی تکنیکهای کمی پیشرفته ارایه شده توسط پروفسور Kundu در دانشگاه JNU استفاده شده است.

شهر و روستا از این جهت شد. جدول شماره ۴ جزئیات بیشتری را در این مورد بیان می‌کند.

جدول شماره ۴: نسبت دانش‌آموزان به افراد واجد آموزش (برخوردار از امکانات آموزشی)

سال	کل کشور	مناطق روستایی	مناطق شهری	SI
۱۳۵۸	۶۵/۶	۵۰/۳	۷۹/۹	۰/۶۰
۱۳۵۹	۶۷/۶	۵۲/۴	۸۱	۰/۵۷
۱۳۶۰	۶۹/۶	۵۴/۴	۸۲	۰/۵۷
۱۳۶۱	۷۴/۲	۶۱/۴	۸۸	۰/۵۷
۱۳۶۲	۷۵	۶۲/۶	۸۸/۱	۰/۴۷
۱۳۶۳	۷۵/۸	۶۳/۸	۸۸/۲	۰/۶۴
۱۳۶۴	۷۶/۶	۶۵/۱	۸۸/۳	۰/۶۳
۱۳۶۵	۷۷/۴	۶۶/۴	۸۸/۴	۰/۵۷
۱۳۶۸	۸۳/۷	۷۵/۳	۹۱/۲	۰/۵۳
۱۳۶۹	۸۵/۹	۷۸/۷	۹۲/۱	۰/۵۱
۱۳۷۰	۸۸/۲	۸۲/۲	۹۳	۰/۴۴
۱۳۷۱	۸۹/۴	۸۳/۹	۹۳/۷	۰/۴۶
۱۳۷۲	۹۰	۸۴/۲	۹۴/۱	۰/۴۶
۱۳۷۳	۹۰/۴	۸۵/۲	۹۴/۵	۰/۴۷

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سالهای مختلف محاسبه شده توسط نویسنده.

همان‌طور که از جدول فوق پیداست با وجود افزایش نسبت برخوردار از امکانات آموزشی و نیز کاهش مقدار شاخص نابرابری SI در سال ۱۳۷۳ نسبت به سال ۱۳۵۸ هنوز ۱۴/۸ درصد از افراد واجد شرایط ثبت نام در مدارس در مناطق روستایی از دسترسی به این امکانات در سال مذکور محروم بوده‌اند.

۵- بهداشت و درمان

اطلاعات دقیقی در مورد توزیع امکانات بهداشتی بین مناطق شهری و روستایی در دوره

قبل از انقلاب وجود ندارد. بر اساس اطلاعات موجود، دسترسی روستاها به امکانات مذکور در مقایسه با شهرها در آن دوره ناچیز بوده است به طوری که از کل ۱۵۱۸۲ پزشک موجود در کشور ۸۲۷۵ نفر (۵۵ درصد) و از کل ۲۲۱۸ دندانپزشک کشور ۱۲۹۱ نفر (۵۸ درصد) در سال ۱۳۶۰ در استان تهران ساکن بوده‌اند. یعنی نسبت جمعیت به پزشک و دندانپزشک در آن سال به ترتیب ۷۹۸ و ۵۱۱۳ نفر در استان فوق بوده است^{۱۶}. در همین حال نسبت جمعیت به پزشک در رابطه با استانهای سیستان و بلوچستان و کهگیلویه و بویراحمد به ترتیب ۱۲۹۳۷ و ۱۳۸۶۵۰ نفر در سال مورد بحث بوده است. طبق مطالعات انجام شده توسط احمد شربت اوغلی (۱۹۹۱) نسبت جمعیت به پزشک در مناطق روستایی ۱۱۰۰۰ در مقایسه با ۱۶۴۷ نفر در مورد مناطق شهری در اواسط دهه ۱۳۵۰ بوده است. علاوه بر این طبق سرشماری سال ۱۳۵۵ از ۳۳۰۳۴ نفر کارمندان بخش بهداشت و درمان فقط ۱۳۰۰ نفر (۳/۴ درصد) در مناطق روستایی مشغول به خدمت بوده‌اند و با توجه به اینکه تقریباً تمامی بیمارستانهای کشور در دوره مورد بحث در شهرها قرار داشته‌اند می‌توان گفت که اکثریت قاطع روستائیان کشور از دسترسی به پزشک، بیمارستان و سایر امکانات بهداشتی و درمانی در آن دوره محروم بوده‌اند.

تمرکز بیمارستانها و سایر مراکز درمانی مجهز در شهرها از عوامل اصلی شکاف عمده شهر و روستا از این نقطه نظر در بعد از انقلاب نیز به شمار می‌روند. با این وجود تأسیس تعداد قابل توجهی خانه‌های بهداشت در روستاها در این دوره گام سودمندی در جهت کاهش نابرابریهای مذکور بوده است. به عنوان مثال تعداد خانه‌های بهداشت از ۳۵۹۸ باب در سال ۱۳۶۲ به ۱۴۱۴۶ باب در سال ۱۳۷۵ افزایش یافت. به علاوه تعداد خانه‌های بهداشتی که از پزشک سیار برخوردار بودند از ۳۰۱۹ در سال ۱۳۶۵ به ۱۰۸۹۰ باب در سال ۱۳۷۴ افزایش یافت. جدول شماره ۵ اطلاعات بیشتری را در این زمینه ارائه می‌کند.

همان طور که جدول نشان می‌دهد درصد جمعیت تحت پوشش خانه‌های بهداشت از ۲۷/۹ درصد در سال ۱۳۶۲ به ۸۵/۱ درصد در سال ۱۳۷۴ افزایش یافته است البته جمعیت

تحت پوشش این خانه‌ها در سال ۷۵ اندکی کاهش یافته است.

جدول شماره ۵: خانه‌های بهداشت و تعداد روستا و جمعیت تحت پوشش آنها

سال	تعداد خانه‌های بهداشتی	روستاهای تحت پوشش	درصد جمعیت روستایی تحت پوشش	تعداد پزشک سیار	تعداد کارمند
۱۳۶۲	۳۵۹۸	-	۲۷/۹	-	۵۵۵۰
۱۳۶۵	۵۱۰۹	-	۳۸/۵	۳۰۱۹	۸۴۵۲
۱۳۷۰	۹۷۳۴	۲۲۹۰۳	۶۷	۶۵۳۷	۹۴۸۹
۱۳۷۴	۱۳۲۲۵	۳۹۲۵۸	۸۵/۱	۱۰۹۸۰	۲۲۳۹۳
۱۳۷۵	۱۴۱۴۶	۴۰۲۰۰	۸۴/۱	-	۲۲۱۴۳

مأخذ: سالنامه آماری، مرکز آمار ایران، ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵

از طرف دیگر تعداد مراکز بهداشتی - درمانی روستایی به ازای هر یک میلیون نفر جمعیت روستایی از ۸۶ مرکز در سال ۱۳۶۵ به ۷۹ مرکز در سال ۱۳۷۴ کاهش یافته است. در حالی که نسبت مذکور در شهرها از ۷۶ به ۱۰۲ مرکز در دوره مورد بحث افزایش یافته است. با توجه به اینکه معمولاً کیفیت ارائه خدمات و نیز تجهیزات موجود در مراکز بهداشتی - درمانی شهری از مشابه آنان در روستاها بهتر می باشد ناهمگونی بین شهر و روستا بر اساس این شاخص در دوره ۷۴ - ۱۳۶۵ بیشتر شده است و هنوز دسترسی مردم روستا به امکانات بهداشتی - درمانی بسیار کمتر از ساکنین شهرهاست. گرچه ناهمگونی قابل توجهی در میان مناطق شهری نیز قابل مشاهده است.

۶- شرایط زندگی

از آن جا که روستاهای کشور نوعاً از امکاناتی نظیر لوله کشی گاز و تلفن برخوردار نبوده و نیستند لذا امکان مقایسه شهر و روستا از این جهت مقدور نیست به این خاطر در این قسمت مناطق مذکور را از جهت دسترسی به آب آشامیدنی لوله کشی و نیروی برق و نیز نوع مصالح استفاده شده در ساخت مسکن مورد مقایسه قرار می دهیم. برای این منظور درصد خانواده‌های بهره‌مند از امکانات آب لوله کشی و برق را در چهار مقطع زمانی ۱۳۲۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ در مناطق شهری و روستایی با یکدیگر مقایسه می کنیم. همان طور که جدول

شماره ۶ نشان می دهد ۸۵ درصد از واحدهای مسکونی شهری در سال ۱۳۵۵ از آب لوله کشی و ۸۴ درصد آنها از برق برخوردار بوده اند. در همین زمان نسبتهای مذکور در مناطق روستایی به ترتیب ۲۴ و ۱۴ درصد بوده اند. از طرفی مناطق شهری پیشرفت قابل توجهی از جهت برخورداری امکانات فوق، در دوره بعد از انقلاب اسلامی داشته اند (۷۴ - ۱۳۵۵) به طوری که درصد واحدهای مسکونی بهره مند از آب لوله کشی و برق به ترتیب ۹۱ درصد و ۹۵ درصد در سال ۱۳۷۴ بوده است. روستاها در دوره فوق رشد بیشتری را بر اساس شاخصهای فوق به دست آورده اند، به این معنی که نسبت های مورد اشاره به ترتیب به ۵۲/۸ درصد و ۶۵/۷ درصد در سال ۱۳۷۴ رسید (۲۸/۸ درصد و ۵۱/۷ در ضداافزایش). به عبارت دیگر تعداد روستاهای برخوردار از نیروی برق از ۲۳۶۰ پارچه آبادی به ۳۲۷۱۰ پارچه آبادی در دوره فوق افزایش یافت. جدول شماره ۶ اطلاعات بیشتری را در این مورد ارائه می کند.

جدول شماره ۶: واحدهای مسکونی مناطق شهری و روستایی برخوردار از آب لوله کشی و برق

شرح	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۶۷	۱۳۷۳	۱۳۷۵
کل کشور:						
تعداد واحد مسکونی	۳۸۹۸۷/۹	۴۴۸۸۲۰/۱	۸۲۱۷۲۷۵	n.a	n.a	۱۰۷۷۰۱۱۲
درصد بهره مند از آب لوله کشی	۱۴/۳	n.a	۷۴/۶	۷۴/۲	۸۲/۷	۸۷/۴
درصد بهره مند از برق	۲۵/۴	n.a	۸۴/۱	۸۲/۴	۹۵/۳	۹۵/۱
مناطق شهری:						
تعداد واحد مسکونی	۱۳۰۰۸۲۸	۲۳۷۷۵۱۶	۴۶۶۹۷۷۲	n.a	n.a	۶۹۱۳۳۷۰
درصد بهره مند از آب لوله کشی	۴۱/۱	۸۵	۹۱	n.a	n.a	۹۶/۴
درصد بهره مند از برق	۶۸/۶	۸۴	۹۸	n.a	n.a	۹۹/۱
مناطق روستایی:						
تعداد واحد مسکونی	۲۵۹۷۸۹۱	۲۹۲۷۹۵۲	۳۵۴۷۶۵۳	n.a	n.a	۲۸۵۶۳۸۲
درصد بهره مند از آب لوله کشی	۱	۲۴	۵۲/۸	n.a	n.a	۷۱/۴
درصد بهره مند از برق	۳/۷	۱۴	۶۵/۷	n.a	n.a	۸۸/۱
شاخص سوفرز (SI):						
آب لوله کشی	۱/۹	۱/۳	۰/۹	na	na	۰/۴۵
برق	۱/۸	۱/۵	۱/۴	na	na	۰/۴۲

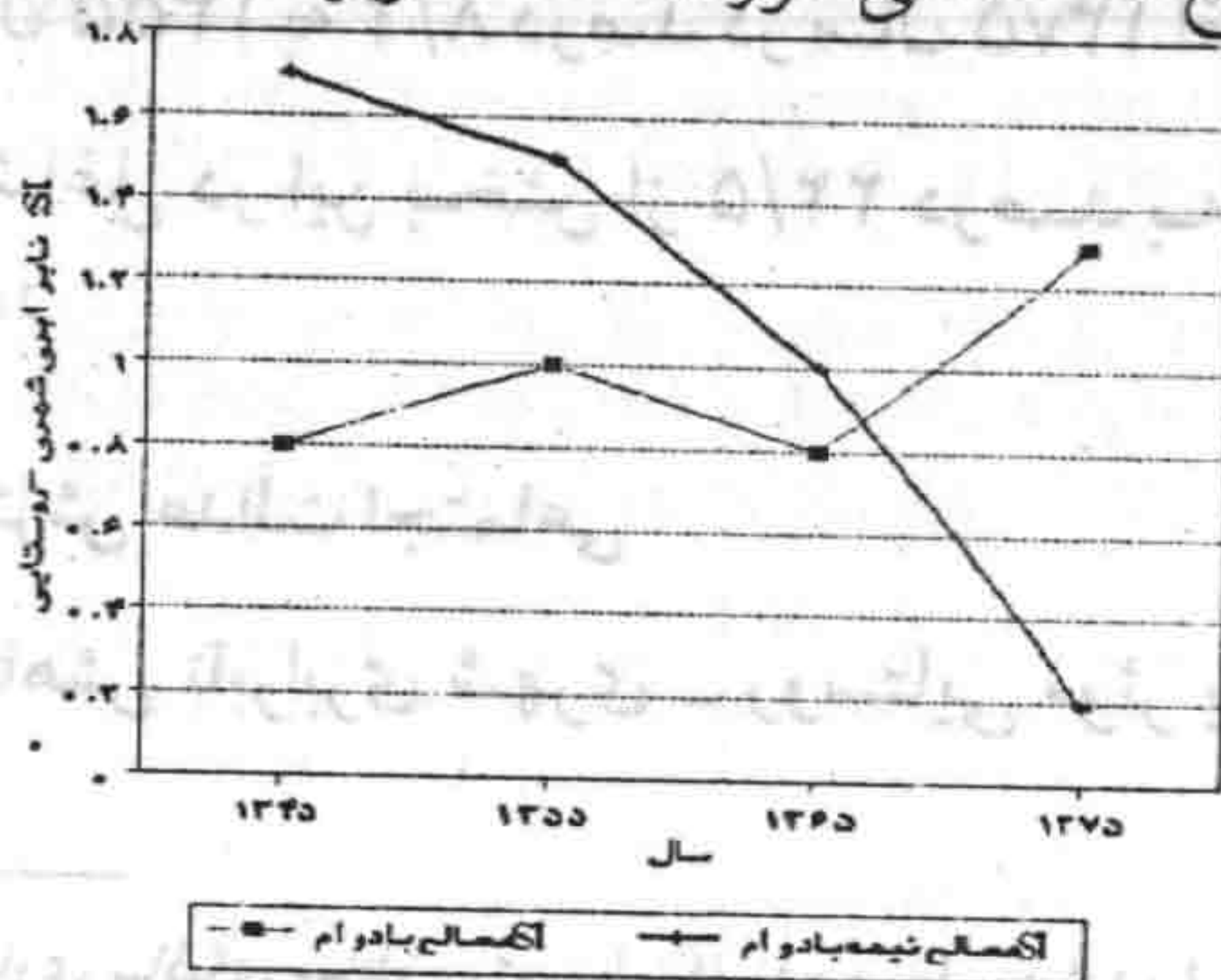
مأخذ: آمار از سالنامه آماری، مرکز آمار ایران. سالهای مختلف، محاسبه شده توسط نویسنده.

نمودار شماره ۲: نابرابری شهری - روستایی در استفاده از امکانات ساختمانی

همانطور که از جدول فوق پیداست نابرابری شهری - روستایی بر اساس شاخصهای بهره‌مندی از آب لوله‌کشی و برق از سال ۱۳۴۵ به بعد بطور پیوسته در حال کاهش بوده است، منتهی شدت این کاهش در دوره ۷۵ - ۱۳۶۵ بیشتر بوده است به طوری که شاخص نابرابری (SI) از ۰/۹ به ۰/۴۵ در مورد آب لوله‌کشی و از ۱/۴ به ۰/۴۲ در مورد برخورداری از برق طی دوره مذکور کاهش یافته است. که نشان از تمایل به همگونی بسیار سریع شهر و روستا در دوره مورد مطالعه از جهت برخورداری از امکانات فوق دارد. با این وجود هنوز ۲۹/۶ درصد از مردم روستاها از آب لوله‌کشی و ۱۱/۹ درصد آنان از دسترسی به نیروی برق در سال ۱۳۷۵ محروم بوده‌اند. علاوه بر این شاخص نابرابری (SI) در مورد برخورداری خانواده‌های شهری و روستایی از تلفن و گاز لوله‌کشی به ترتیب ۰/۹۲ و ۱/۹۷ در سال ۱۳۷۵ می‌باشد که حاکی از توزیع نابرابر تسهیلات مذکور در مناطق شهری و روستایی کشور در آن سال می‌باشد. برخورداری از مسکن مطمئن قطعاً از نیازهای اساسی هر فرد در هر جامعه است. این نیاز در کشورهایی مانند ایران که مردم به طور مداوم با بلایای طبیعی از قبیل سیل و زلزله مواجه می‌باشند از اهمیت بیشتری برخوردار است. بنابراین کیفیت مواد و مصالح مورد استفاده در ساخت مسکن از شاخصهای مهم اندازه‌گیری سطح زندگی در مناطق شهری و روستایی می‌باشد آمار موجود حاکی از آن است که در سال ۱۳۵۵ کمتر از یک درصد از منازل مسکونی کشور با استفاده از مصالح با دوام^{۱۷} ساخته شده بودند. این نسبت حتی در مناطق شهری فقط ۱/۴ درصد بود. در سال ۱۳۶۵ واحدهای مسکونی ساخته شده با مصالح با دوام در کشور و مناطق شهری به ترتیب ۲۳/۷ درصد و ۴۸/۸ درصد کل واحدهای مسکونی را تشکیل می‌دادند. در صد واحدهای مسکونی شهری ساخته شده از مصالح بادوام و نیمه با دوام به ۸۱ درصد در سال ۱۳۷۵ افزایش یافت. این در حالی است که فقط ۰/۱ درصد از واحدهای مسکونی روستایی در سال ۱۳۵۵ از مصالح بادوام و ۰/۹ درصد آنان با استفاده از مصالح نیمه بادوام ساخته شده بودند هر چند که پیشرفت قابل ملاحظه‌ای از این جهت در دوره

۱۷- مصالح با دوام اسکلت فلزی و بتن آرمه و نیمه بادوام آهن و گچ و آجر یا آهن و سنگ و بلوک سیمانی و کم دوام خشت خام و جوب و امثالهم تعریف شده‌اند (نگارنده).

۶۵ - ۱۳۵۵ صورت گرفت ولی با این وجود خانه های منتفع از مصالح با دوام و نیمه بادوام به ترتیب ۰/۹ و ۱۵/۷ درصد کل واحدهای مسکونی روستایی را تشکیل می داد. البته نسبت دوم به ۳۷/۷۳ درصد در سال ۱۳۷۵ افزایش یافت. به عبارت دیگر در آن سال حدود ۶۲/۸ درصد از خانه های روستایی و ۱۹ درصد منازل شهری با استفاده از مصالح کم دوام ساخته شده بودند. محاسبه شاخص نابرابری (SI) مبین این است که نابرابری شهری - روستایی در دوره ۵۵-۱۳۴۵ از ۰/۸ به یک افزایش یافته و سپس در دوره ۶۵-۱۳۵۵ به مقدار ۰/۸ کاهش یافته است که نشان از تثبیت نسبی شکاف شهری - روستایی از دیدگاه درصد منازل مسکونی بهره مند از مصالح بادوام در دوره مذکور می باشد. البته شاخص مذکور در دوره ۷۵-۱۳۶۵ مجدداً افزایش یافته و مقدار ۱/۳ را اختیار نموده است. از سوی دیگر شاخص نابرابری درصد منازل ساخته شده از مصالح نیمه بادوام کاهش قابل ملاحظه ای را در دوره سی ساله ۷۵-۱۳۴۵ نشان می دهد که مقدار آن از ۱/۷ در سال ۱۳۴۵ با کاهش شدیدی به سطح ۰/۱۹ در سال ۷۵ تنزل یافت. بطور خلاصه می توان گفت که ناهمگونی شهری - روستایی از حیث برخورداری از مسکن ساخته شده با استفاده از مصالح بادوام گرچه در دهه اول بعد از انقلاب از کاهش جزئی نسبت به دهه قبل از آن برخوردار بوده است ولی در دوره ۷۵-۱۳۶۵ با افزایش قابل توجهی به مقدار ۱/۳ را صعود کرد که نشان از ازدیاد شکاف شهر و روستا از این دیدگاه می باشد. عواملی مانند اختلاف قدرت خرید خانوارهای شهری و روستایی و تفاوت الگوی ساخت و ساز و مسکن در شهر و روستا از دلایل عمده این نابرابری می باشند. نمودار شماره ۲ روند تغییرات نابرابری شهری - روستایی را بر اساس مصالح ساختمانی مورد استفاده در واحدهای مسکونی نشان می دهد.



نمودار شماره ۲: نابرابری شهری - روستایی در استفاده از مصالح ساختمانی

نگاهی به علل کاهش نابرابری شهری - روستایی در دوره بعد از انقلاب اسلامی

الف - بهبود وضعیت کشاورزی

هرگونه پیشرفت کشاورزی می تواند به عنوان افزایش سطح زندگی روستائیان تلقی شود زیرا حدود ۹۰ درصد فعالیتهای کشاورزی در این بخش از کشور متمرکز شده است. کشاورزی در دوره بعد از انقلاب حداقل از جنبه نظری اهمیت فراوانی یافته است به طوری که «محور مستقل» و «محور توسعه» نامیده شده است. از جهت عملی نیز گرچه پیشرفتهایی متناسب با جایگاه مطروحه را نیافته است ولی این بخش توفیقات قابل توجهی داشته است. به عنوان مثال درصد کشت آبی از $37/8$ در سال ۱۳۷۵ به $44/9$ در سال ۱۳۷۰ افزایش یافت. در همین زمان بهره وری گندم و جو در واحد سطح از حدود ۸۰۰ کیلوگرم در هکتار به ۱۲۳۶ کیلوگرم در هکتار و بهره وری (در هکتار) برنج نیز از ۲۴۷۰ به ۳۳۹۳ کیلوگرم طی دوره مذکور ارتقاء پیدا نموده است. از طرف دیگر بهره وری سرانه کارگر کشاورزی نیز از $570/3$ هزار ریال در سال ۱۳۵۵ به ۱۰۴۵ هزار ریال در سال ۱۳۷۰ افزایش یافت. این در حالی است که ارزش افزوده این بخش نیز از ۱۷۰۶۲ میلیارد ریال (به قیمت های ثابت سال ۱۳۶۱) در سال ۱۳۵۵ به ۳۸۱۷/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۵ افزایش نشان می دهد. در نتیجه سهم کشاورزی در تولید ناخالص داخلی (GDP) از $10/9$ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۲۴ درصد در سال ۱۳۶۵ و $25/5$ درصد در سال ۱۳۷۵ افزایش یافت. گرچه بخشی از افزایش سهم کشاورزی در (GDP) ناشی از کاهش سهم بخش غیرکشاورزی و بخصوص نفت می باشد ولی نقش مدرنیزه کردن کشاورزی نیز در این راستا غیرقابل انکار است. به عنوان مثال سهم مصرف برق کشاورزی از کل مصرف برق کشور از $3/2$ درصد در سال ۱۳۵۵ به $8/2$ درصد در سال ۱۳۷۵ افزایش یافت. از طرف دیگر درصد نیروی کار با سواد شاغل در این بخش از $22/5$ درصد به $53/3$ درصد طی دوره ۷۰ - ۱۳۵۵ افزایش یافت.^{۱۸}

ب - تعقیب سیاست گسترش عدالت اجتماعی

عامل دیگری که در کاهش نابرابری شهری - روستایی موثر بود عبارت است از تعقیب

۱۸- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری سالهای مختلف، توسط نگارنده محاسبه شده است.

سیاست گسترش عدالت اجتماعی توسط دولت در دوره بعد از انقلاب اسلامی. برای تحقق این هدف نهادهای انقلابی مانند جهاد سازندگی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و ... تشکیل و فعالیتهای زیادی را در این راستا انجام دادند.

جمعبندی و نتیجه گیری

مطالعه روند تغییرات نابرابریهای شهری - روستایی با استفاده از شاخصهای مختلف نشان می دهد که این ناهمگونیها در دوران بعد از انقلاب روند نزولی داشته اند. عوامل متعددی موجب کاهش شکاف مذکور شده است که در میان آنها بهبود کشاورزی و پیگیری سیاست گسترش عدالت اجتماعی و به دنبال آن تأسیس نهادهای انقلابی مانند جهادسازندگی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی نقش مهمی را در این رابطه ایفا کرده اند. کاهش فاصله شهری - روستایی صرف نظر از ارزشمند بودن آن از دیدگاه عدالت اجتماعی می تواند کمک مؤثری به حرکت جامعه به سمت توسعه متعادل بنماید. کاهش نابرابریهای مذکور می تواند از مهاجرت بی رویه روستاییان به شهرها و تشدید پدیده های حاشیه نشینی جلوگیری نموده و از سوی دیگر موجبات باروری پتانسیلهای موجود در روستاها را فراهم نماید. سیاستهای پایداری کشاورزی همراه با چاره اندیشی های عالمانه برای افزایش درآمد روستاییان و ایجاد امکانات ارتقاء سطح زندگی در روستاها از عوامل مقوم این جریان خواهند بود.

منابع و مآخذ

- ۱- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، روندهای اقتصادی، شماره های ۱ و ۳، ۱۳۷۴.
- ۲- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بعد از چهار سال، تهران، ۱۳۷۴.
- ۳- سازمان برنامه و بودجه، گزارش عملکرد برنامه هفت ساله دوم، ۱۳۴۳.
- ۴- سازمان برنامه و بودجه، برنامه عمرانی پنجم کشور، ۱۳۵۶ - ۱۳۵۲.
- ۵- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری، سالهای ۱۳۵۰، ۱۳۶۰، ۱۳۶۲، ۱۳۷۰، ۱۳۷۲ و ۱۳۷۵.
- ۶- مرکز آمار ایران، ایران در آینه آمار، شماره های ۷ و ۸ و ۱۲ و ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸.
- 7- Kautozian Homa, *The political Economy of modern Iran Depostism and pseudo modernism*, 1926-79, macmillan LTD, 1981.
- 8- Koteswara M. Rao; *Urbaninzation, migration and Economic Development*, Kanishka publishers Distributions, New Delhi, 1995.
- 9- Sen, A; *on Economic Inequality*, Oxford University press, 1975.
- 10- Sharbatoghlie, A; *Urbanization and Regional Disparities in post - revolutionary Iran*, West view press, U. S. A. 1991.
- 11- World Bank; Islamic Republic of Iran: *Economic management and prospects, country Economic memorandum / Nov. 1995.*
- 12- Bar foroush Hamid; "The strategy of Rural Industrialization in Iran", *Asian studies* 9 (4), 1994.
- 13- Karshenas M; "Oil Income, Industrialization and the Agricultural squeeze Hy pothesis: New Evidence ON the Experience of Iran", *The Journal of peasant studies* 17(2); Jan. 90.
- 14- Katouzian Homa; "Oil versus Agriculture: a case of Dual Resource Depletion in Iran", *Journal of peasant studies*, April 1978.
- 15- Pethiya B. P; "Technology for Rural Idustrialization", *Journal of Rural Development*, Vol. 10(3), PP. 279 - 288, 1991.
- 16- The Statistical Centve of Iran; *Statistical Reflection of the Islamic Republic of Iran*, NO. 5. & 11. 1987, 1989 & 1995